

تحلیل روابط بینامتنی قرآن کریم و زیارت عاشورا در موضوعات سلام و لعن

صدیقه گیوی^۱

چکیده

بینامتنیت از موضوعات کاربردی در حوزه مطالعات ادبی است که روابط بین دو متن را با تحلیل‌های متفاوتی مورد بررسی قرار می‌دهد. ژنت از مشهورترین نظریه‌پردازانی است که انواع روابط بینامتنی را طبقه‌بندی و تحلیل کرده است. بر اساس بینامتنیت متون ادبی در خلأ خلق نمی‌شوند؛ بلکه هر متنی، هم به لحاظ زبان‌شناختی و هم به جهت معناشناسی، وام‌دار متون قبل از خود است و به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از آن متون الگو گرفته و بهره برده و پیوند ناگسستنی با آنها دارد. از آنجا که قرآن و عترت علیهم‌السلام مهم‌ترین منبع هدایت و دستورالعمل کامل زندگی بشر هستند، مقاله حاضر با بهره گرفتن از روش تحلیل روابط بینامتنی در صدد پاسخگویی به این سؤال است که: ارتباط محتوایی سلام‌ها و لعن‌های قرآن و سلام‌ها و لعن‌های زیارت عاشورا چگونه تحلیل می‌شود؟ بر اساس نتایج پژوهش، زیارت عاشورا رابطه بینامتنی و زبان‌شناختی با متن قرآن کریم دارد و متعلق سلام‌ها و لعن‌های آن با سلام‌شدگان و لعن‌شدگان در قرآن مشترک است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، زیارت عاشورا، سلام، لعن، بینامتنیت.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث (givi.1398@gmail.com)

۱. مقدمه و بیان مسئله

اهل بیت علیهم السلام به عنوان حامل سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله، یکی از منابع مهم در حدیث ثقلین هستند که ثقل اول یعنی قرآن کریم را تفسیر و تبیین می کنند و خود آنان نیز به این دلیل که عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و نزدیک ترین افراد به رسول خدا صلی الله علیه و آله از جهت سبب و نسب هستند، علاوه بر تبیین و تفسیر کتاب خدا، برای مسلمانان پس از قرآن کریم، منبعی ارزشمند به شمار می روند. (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۵/۲)

زیارت عاشورا روایتی از امام باقر علیه السلام است که از قرآن کریم الهام گرفته و قدیمی ترین سند آن در کتاب کامل الزیارات است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۷۵ - ۱۷۹). سند دیگر آن، کتاب مصباح المتهجد از شیخ طوسی، از محمد خالد طیاسی، از سیف بن عمیره، از صفوان بن مهران، از امام جعفر صادق علیه السلام، از علقمه محمد حضر می، از امام باقر علیه السلام نقل شده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۷۲۲/۲). نیز آیه الله سید موسی شبیری زنجانی، رجالی معاصر و از مراجع تقلید نیز در استفتایی در خصوص صحت سند زیارت عاشورا بحث نموده و اثبات کرده که مورد وثوق همه بزرگان امامیه است و سندش صحیح و مورد اعتماد است. (شبیری زنجانی، ۱۳۸۶/۱/۳۰)

بینامتنیت به وضعیتی اشاره دارد که در آن، تمام رخدادها ارتباطی با رخدادهای پیشین دارد. به عبارتی دیگر متن ها وابسته به تاریخ و جامعه اند (فرکلاف، ۱۹۹۵: ۵۶). بینامتنیت متن پنهانی است که توسط متون دیگر شکل گرفته است که می تواند شامل استقراض و دگرگونی متنی دیگر توسط مؤلف یا ارجاع خواننده به متنی دیگر باشد. ژنت از مشهورترین نظریه پردازانی است که انواع روابط بینامتنی را طبقه بندی و تحلیل کرده است. بر اساس بینامتنیت، متون ادبی در خلأ خلق نمی شوند؛ بلکه هر متنی، هم به لحاظ زبان شناختی و هم به جهت معناشناسی، وام دار متون قبل از خود است و به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از آن متون الگو می گیرد و بهره می برد و پیوند ناگسستگی با آنها دارد. نظریه بینامتنیت بر این باور است که هر متنی بر پایه متن های پیشین خود شکل می گیرد. هیچ متنی نیست که کاملاً مستقل تولید یا حتی دریافت گردد. بنابراین در تولید و دریافت یک متن، همواره پیش متن ها نقش اساسی ایفا می کنند؛ به بیان دیگر بدون روابط بینامتنی هیچ متنی خلق نمی شود (نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۷۵ - ۷۷).

۱-۱. روش و ابزار پژوهش

نوشتار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای بر آن است که رابطه بینامتنیت (Text Duality - Inter) را بین قرآن کریم و زیارت عاشورا در خصوص واژه‌های «سلام و تحیت» و نیز واژه «لعن» بیان نماید و به طور مشخص به این سؤال پاسخ دهد که ارتباط محتوایی سلام‌ها و لعن‌های قرآن و سلام‌ها و لعن‌های زیارت عاشورا چگونه تحلیل می‌شود؟

۲-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

زیارت عاشورا دارای مضامین عالی و شامل معارف متنوعی مانند دعا، توبی، تبری و... است. واقعه کربلا اگرچه نزدیک به ۱۴۰۰ سال پیش رخ داده، ولی برای همیشه این درس را به مؤمنان آموخت که از سویی بگویند: «انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم» (زیارت عاشورا)؛ قطعاً من با سازش کنندگان با تو در سازش و با آنان که با تو در جنگند، می‌جنگم و از سویی دیگر بگویند: «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً؛ ای کاش من با شما می‌بودم و به رستگاری عظیم نائل می‌شدم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۹/۱۰۱). و حتی آرزوی خونخواهی شهدای کربلا را در رکاب امام زمان داشته باشند. بنابراین بر مؤمنان لازم و ضروری است که متعلّقین سلام‌های قرآن کریم را بشناسند و بدانند امام حسین (ع) یکی از مصادیق اتم و اکمل سلام‌های قرآن است و با صفات انبیا، اولیا، شهدا، صالحان و اتقیا آشنایی پیدا کنند و هرچه بیشتر خود را متخلّق به اخلاق آنان نمایند؛ و همچنین خود را از صفات ملعونان در قرآن دور کنند و این چنین صدق گفتار خود را در زیارت عاشورا اثبات کنند و در این صورت است که زیارت عاشورا با معرفت کامل خوانده می‌شود و آثار معنوی فراوانی را به دنبال خواهد داشت.

۳-۱. پیشینه پژوهش

حسن خرقانی، جواد معین و محمّد اسفندیاری سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای با عنوان «الگوپذیری خطبه قاصعه نهج البلاغه از قرآن کریم با رویکرد بینامتنیت» با شیوه توصیفی - تحلیلی - تطبیقی نشان دادند که در متن موجود به پیروی از متن پنهان بر اراده قوی برای انجام تکالیف و دستورهای الهی تأکید شده است. از عبارات لفظی قرآن استفاده نشده، بلکه خطبه قاصعه در قالب محتوا و مضمون خود را به قرآن کریم پیوند زده است.

سید محمد امیری و شکوه فورجانی زاده سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای با عنوان «بینامتنیت قرآن در آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی اخلاق ناصری» با واکاوی اخلاق ناصری، اثر خواجه نصیرالدین طوسی با شیوه تحلیلی و روش نقدی بینامتنی، بازتاب آیات قرآن را در این اثر مورد بررسی قرار داده‌اند و با طبقه‌بندی ارزش‌های معنوی، فضایل اخلاقی و ردائل نفسانی نشان می‌دهند که تأثیرپذیری آموزه‌ها از قرآن در بینامتنیت معنایی و مضمونی از قرآن کریم است و الفاظ و عبارات قرآنی در کلام خواجه به وسعت دیده نمی‌شود.

مقاله «بررسی رابطه بینامتنیت قرآن با مناجات خمس عشر» اثر زکویه بیگم در سال ۱۴۰۰ قائل است مناجات خمس عشر هم از نظر ساختاری و هم مضمونی، با تأثیری آگاهانه از آیات قرآنی تنظیم شده است.

علیرضا زکی‌زاده رنانی و سمیه قربانی سال ۱۳۹۸ در مقاله‌ای با عنوان «بینامتنیت دعای چهارم صحیفه سجادیه و قرآن» با روش توصیفی - تطبیقی به این نتیجه دست یافتند که پیوندی دوسویه و تنگاتنگ بین قرآن و کلام امام سجاده علیه السلام برقرار است. چنانچه صحیفه در قالب تناسبات اجترار و امتصاص و نیز بر اساس بینامتنی مضمونی و لفظی با قرآن رابطه‌ای استوار برقرار کرده و همچنین از تناسبات حواری در صحیفه پرهیز شده است.

علاوه بر آن بینامتنیت قرآن در دیوان شاعر مقاومت «محمد قیسی» و حدیث در مدیحه نبوی ابن داغر حلی و در اشعار تعلیمی حافظ شیرازی بر اساس نظریه‌های ناقدان ادبی و... انجام شده است؛ ولی تاکنون رابطه بینامتنی بین قرآن و زیارت عاشورا انجام نشده و ویژگی خاص پژوهش پیش رو آن است که متعلق سلام را که یکی از اسماء حسنا الهی است، در زیارت عاشورا و قرآن مشخص نموده است و به تبیین هر کدام از سلام‌ها و لعن‌ها در قرآن و متعلق آنها و به دنبال آن، تبیین رابطه بینامتنی با زیارت عاشورا پرداخته است.

۴-۱. اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش، بررسی و تعیین رابطه معنایی بین سلام‌ها و لعن‌های زیارت عاشورا و سلام‌ها و لعن‌های قرآن کریم است و اهداف جزئی شامل: توصیف متعلقین سلام در قرآن و زیارت عاشورا و توصیف متعلقین لعن در قرآن و زیارت عاشورا است.

۲. مفهوم‌شناسی سلام و لعن

۱-۲. مفهوم سلام در قرآن

سلام به معنای تحیت و از ریشه «س ل م» یکی از دو مصدر باب تفعیل به معنای سالم بودن از هر گونه عیب و نقص است (راغب، ۱۴۱۲: ۴۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۴۲/۶ «سلم»).
اطلاق سلام بر خدا، به این معناست که ذات خداوند از هر عیبی، صفاتش از هر نقصی و افعالش از هر شری مصون است (غزالی، ۱۳۷۵: ۵۷) و به واسطه آن صفات پیراسته از عیب، رحمت، عطف و کرم وی متجلی می‌شوند (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۹۲/۵، «سلم»).
بر اساس روایتی از پیامبر اکرم ﷺ سلام یکی از ۹۹ اسم خداست که هرکس آن‌ها را بشمارد، بهشت بر او واجب می‌شود (ترمذی، ۱۴۱۹: ۱۹۲/۵). از این رو پیامبر اکرم ﷺ مسلمانان را به افشای سلام در میان خودشان سفارش کرده است (نوری، ۱۴۰۸: ۳۶۲/۸). همچنین بر پایه روایتی حضرت می‌فرماید: «ان الله هو السلام» (نیشابوری، ۱۴۱۲: ۱۲۲/۴). ایشان پس از نماز، سه مرتبه این دعا را می‌خواند: «اللهم انت السلام و منك السلام تبارکت یا ذالجلال و الاکرام» (نیشابوری، ۱۴۱۲: ۹۳/۵). سلام به عنوان اسم خدا تنها یک بار به صراحت در قرآن یاد شده است: «هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن» (حشر: ۲۳).

۲-۲. عوامل سلام

سلام یکی از اوصاف خداوند است (حشر: ۲۳). خدا سلام است؛ یعنی بندگان از ظلم او در امان هستند (طوسی بی‌تا: ۵۷۴/۹) و خدا از هر آفت و نقصی به دور است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۶۰/۵). این وصف خدا موجب آرامش و احساس امنیت در رابطه انسان با خداست (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۳۶/۲۲). سلام مظهر رحمت خداوند است که فقط شامل مؤمنان است (انعام: ۵۴).

عوامل سلام ابتدا مربوط به حیطة شناختی و عقیدتی است و سپس در حیطة عمل سرایت می‌کند و مشمول سلام می‌شود.

۱-۲-۲. عامل اعتقادی سلام

ایمان، تنها عامل اعتقادی سلام است. ایمان در لغت از ریشه «أمن» به معنای طمأنینه

و زوال ترس و در مقابل کفر است (فراهِیدی، ۱۴۱۰: ۳۸۸/۸) و به معنای تصدیق نیز آمده است (همو: ۳۸۸/۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰) و جایگاه ایمان قلب است (حجرات: ۱۴) و امری اختیاری است که با عمل صالح همراه بوده و قابل کاهش و افزایش است (انفال: ۲؛ انعام: ۸۲)، خواه ایمان مطلق باشد (نحل: ۹۷) و با ایمان به خدا و روز قیامت باشد (بقره: ۶۲) و نیز ایمان به آنچه به پیامبر نازل شده (محمد: ۲) و کسانی را که خشنودی او را بجویند، به راه‌های سلام راهبری می‌کند و آنان را به خواست خود از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد و به راهی راست هدایتشان می‌کند (مائده: ۱۶، ترجمه محمد علی کوشا: ۱۴۰۲ ش) و آن راه‌های سلامت است که خداوند بندگان خویش را به آن فرا می‌خواند و آن همان اسلام است (طبرانی، ۲۰۰۸: ۳۷۲/۲) و به پیامبر ﷺ فرمان می‌دهد که به مؤمنان سلام کند (انعام: ۵۴).

۲-۲-۲. عوامل رفتاری سلام

تعدادی از سلام‌های قرآن به دلیل رفتار و عملکرد مؤمنان است.

۲-۲-۲-۱. صبر

سلام بر شما به پاداش آنچه شکیبایی ورزیدند... (رعد: ۲۴) و بندگانم که در راه من جهاد کردند و مورد آزار و اذیت قرار گرفتند؛ پس ملائکه از هر دری بر آنان وارد می‌شوند و می‌گویند سلام بر شما به خاطر پایداری که کردید (طبری، ۱۴۱۲: ۴ / ۱۴۳) علاوه بر آن در خانه‌های بهشتی با درود و سلام روبه‌رو می‌شوند (فرقان: ۷۵) و تحیت اعم از سلام است و سلام خاص است و در آیه هر دو را آورده است (عسکری، ۱۴۲۸: ۲۵۶).

۲-۲-۲-۲. تقوا

آنان که از پروردگارشان پروا داشته‌اند، گروه‌گروه به سوی بهشت برده شوند؛ ... بهشت‌بانان به آنان گویند: سلام بر شما، خوش آمدید. و آن سلام از بهشت و ارواح قدسی و ملکوت آسمانی است و آنان را از آفت و نقص و بلا در امان می‌دارد (ابن عربی، ۱۴۱۰: ۲۰۷/۲).

۲-۲-۳. عمل صالح

آنان را نزد پروردگارشان خانه سلامت است و به پاداش آنچه می‌کرده‌اند، یار و سرپرست آنان خواهد بود (انعام: ۱۲۷) و هیچ سختی و رنجی به آنان نمی‌رسد و سلام بر شما به پاداش عملتان به بهشت درآید (نحل: ۴۲) و آنان خویش را از کفر و ظلم و همه گناهان پاک نموده‌اند

و از این پس هیچ‌گونه امر ناپسندی به آنان نخواهد رسید (بیضاوی ۱۴۱۸: ۲/ ۲۲۵) و درود بر آن کسی که از هدایت الهی پیروی کند (طه: ۴۷) و این درود، کنایه از این است که عذاب بر کسی است که حق را تکذیب کرده است (آلوسی، ۱۴۱۵، ۸/ ۴۰۵).

۲-۲-۲. رسالت و پیامبری

یکی از عوامل مهم رفتاری سلام، انجام پذیرفتن رسالت الهی و مسئولیت پیامبری است. سلام بر او (حضرت یحیی) روزی که زاده شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود (مریم: ۱۵)؛ به این معنا که از تولد تا مرگ و تا قیامت از شرّ شیطان و از فزع اکبر در امان خواهد بود (طبری، ۱۴۱۲: ۱۶/۴۴) و سلام بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که برانگیخته می‌شوم (مریم: ۳۳). در این آیه حضرت عیسی علیه السلام خود را ستایش می‌کند، پس مشخص می‌شود که انسان مُجاز است خود را به صفات نیکو بازتعریف کند به شرطی که به قصد معرفی باشد، نه به قصد تفاخر (طبرسی، ۱۴۱۳: ۶/ ۷۹۳).

سلام بر نوح در میان جهانیان (صافات: ۷۹) و سلام بر ابراهیم (صافات: ۱۰۹)؛ یعنی سلامت برای او و فرزندش در دنیا و آخرت است (بقائی، ۱۴۲۷: ۶/ ۳۳۰) و سلام بر موسی و هارون (صافات: ۱۲۰) و سلام بر آل یاسین (صافات: ۱۳۰) و سلام از سوی خداوند عبارت از عطا و بخشش و سلامتی و نعمت‌های گوناگون در بهشت است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۲/ ۲۴۷) و سلام بر فرستادگان الهی (صافات: ۱۸۱) به خاطر تبلیغ رسالت (سمرقندی، بی تا: ۳/ ۱۵۵).

۲-۲-۲. سلام بر اهل بهشت

درودشان در آنجا سلام است (یونس: ۱۰)؛ تحیت آنها در آنجا سلام است یعنی به سلامت می‌مانند و از آن چیزی که اهل دوزخ به آن مبتلا شده‌اند، در امان هستند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱/ ۶۳). در آنجا سخن گناه‌آلود و بیهوده‌ای نمی‌شنوند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/ ۳۱) و به سلام بر اهل بهشت اشاره می‌کند (واقعه: ۲۶).

۲-۲-۲. سلام به معنای سلامتی

گفته شد: ای نوح! با درودی از ما و برکت‌هایی بر تو و گروه‌هایی که با تو هستند، از کشتی فرود آی (هود: ۴۸). نوح قبل از هبوط در ضیافت الهی بود و مصالح او رعایت شده و اگر او

و همراهانش مشمول لطف خدا نمی‌شدند، کشتی در آن توفان متلاشی می‌شد (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۷/۲۱۲) و به آتش گفتیم بر ابراهیم سرد و بی‌گزند باشد (انبیاء: ۶۹) و اگر به دنبال برداً، سلاماً را بیان نمی‌کرد، ابراهیم از سرمای آن جان می‌سپرد (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۲۳) و آن شب تا دمیدن سپیده‌دم، آکنده از سلامت است (قدر: ۵) و سلام به لطف و عنایت الهی که شامل بندگانی می‌شود که به سوی او روی آورده‌اند و از کید شیاطین در امان خواهند بود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۳۰/۲۰).

۷-۲-۲-۲. سلام جدایی

ابراهیم گفت: بدرود! به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش می‌خواهم (مریم: ۴۷). این سلام، سلام جدایی و خداحافظی است؛ یعنی جهت حق‌پدري، نافرمانی نمی‌کنم و تو را ترک می‌کنم (طبرسی، ۱۴۱۳: ۷۹۷/۶). و از آنان درگذر و بگو درود! این سلام یعنی مدارا و متارکه و به معنای تحیت و احترام نیست (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۷۷/۲۲) و نیز به سلام متارکه اشاره دارد (قصص: ۵۵).

مجموعه سلام‌های قرآنی در جدول زیر، همراه با متعلق و علت سلام آمده است:

شماره	متن آیه	آدرس	متعلق	علت
۱	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَصَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	(نساء: ۹۴)	الَّذِينَ آمَنُوا	اعلام صلح و آشتی
۲	يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ	(مائده: ۱۶)	مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ	پیگیری خشنودی خدا
۳	وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُمْ وَلِيُّهَا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ	(انعام: ۵۴)	الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا	رحمت الهی
۴	لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُمْ وَلِيُّهَا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ	(الأنعام: ۱۲۷)	لَقَوْمٍ يَذْكُرُونَ	به دلیل عملکردشان

۵	وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ	(الأعراف: ٤٦)	أَصْحَابَ الْجَنَّةِ	به دلیل سیمای بهشتی آنان
۶	دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ	(يونس: ١٠)	تَحِيَّتُهُمَّ (الذين امنوا)	ایمان و عمل صالح
۷	وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ	(يونس: ٢٥)	الناس	هدایت به صراط مستقیم
۸	قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ	(هود: ٤٨)	حضرت نوع ﷺ	برکات الهی
۹	وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ	(هود: ٦٩)	۱. حضرت ابراهیم ۲ - رسلنا	۱- پیامبری حضرت ابراهیم ۲ - مهمانان ابراهیم
۱۰	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ	(الرعد: ٢٤)	والذين صبروا	صبر و پایداری
۱۱	وَأَدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ	(ابراهيم: ٢٣)	الَّذِينَ آمَنُوا	ایمان و عمل صالح
۱۲	ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ	(حجر: ٤٦)	متمقين	داشتن تقوا
۱۳	إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ	(حجر: ٥٢)	حضرت ابراهیم	وارد شدن بر پیامبر
۱۴	الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ	(نحل: ٣٢)	المتقين	عمل صالح

پیامبری خدا	حضرت یحییٰ علیه السلام	(مریم: ۱۵)	وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيَا	۱۵
پیامبری خدا	حضرت عیسی	(مریم: ۳۳)	وَالسَّلَامُ عَلٰی يَوْمٍ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيَا	۱۶
بزرگواری حضرت ابراهیم و استغفار او از خدای مهربان	ازر پدر (عموی) ابراهیم	(مریم: ۴۷)	قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا	۱۷
عدم شنیدن لغو	عباده (عباد الرحمن)	(مریم: ۶۲)	لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا	۱۸
پیروی از هدایت	مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى	(طه: ۴۷)	قَدْ جِئْنَاكَ بَيِّنَاتٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى	۱۹
اراده الهی	نَارُ (عَلٰی إِبْرَاهِيمَ)	(انبیاء: ۶۹)	قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰی إِبْرَاهِيمَ	۲۰
مردم‌داری عباد الرحمن	الْجَاهِلُونَ	(فرقان: ۶۳)	وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلٰی الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا	۲۱
صبر	أُولَئِكَ (مُتَّقِينَ)	(فرقان: ۷۵)	أُولَئِكَ يَجْزُونَ الْعُزْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلْقُونَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا	۲۲
برگزیدگی بندگان	عباد الله	(نمل: ۵۹)	قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ	۲۳
دوری از لغو	جاهلین	(قصص: ۵۵)	وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ	۲۴

۲۵	تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا	(احزاب: ۴۴)	المؤمنين	ایمان
۲۶	سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ	(یس: ۵۸)	اصحاب الجنة	بهشتی بودن
۲۷	سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ	(صافات: ۷۹)	حضرت نوح علیه السلام	برگزیدگی و پیامبر خدا بودن
۲۸	سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ	(صافات: ۱۰۹)	حضرت ابراهیم علیه السلام	نیکوکاری و صبر
۲۹	سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ	(صافات: ۱۲۰)	حضرت موسی علیه السلام و هارون	برگزیدگی موسی و یاریگری هارون
۳۰	سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ	(صافات: ۱۳۰)	آل یاسین	ایمان و نیکوکاری آل یاسین
۳۱	وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ	(صافات: ۱۸۱)	علی المرسلین	فرستاده خدا بودن
۳۲	وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ	(زمر: ۷۳)	الَّذِينَ اتَّقَوْا	تقوا
۳۳	فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ	(زخرف: ۸۹)	عَنْهُمْ (قوم لا يومنون)	(به درود) ایمان نیاوردن
۳۴	ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ	(ق: ۳۴)	من خشى	خشیت در

مقابل خدای رحمن	الرحمن بالغیب و...			
وارد بر مورود	۱- حضرت ابراهیم ۲- ضیف ابراهیم	(ذاریات: ۲۵)	إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ	۳۵
پیش گامی در خیر و قرب الهی	السابقون، المقربون	(واقعة: ۲۶)	إِلَّا قِيَلًا سَلَامًا سَلَامًا	۳۶
نیک بختی (اصحاب یمین بودن)	أَصْحَابِ الْيَمِينِ	(واقعة: ۹۱)	فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ	۳۷
یکی از اسمای حسنای الهی	الله سبحانه وتعالی	(حشر: ۲۳)	هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ	۳۸
چون فرشتگان و روح در آن شب نازل می شوند	هِيَ (ليلة القدر)	(قدر: ۵)	سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ	۳۹

جدول شماره ۱: سلام در قرآن کریم

۳-۲. مفهوم تحیت در قرآن

تحیت یعنی سلام، درود، شادباش، تهنیت و نظایر آن. این کلمه از ریشه «حیات» است و شش بار در قرآن مجید به کار رفته است. لغویان آن را به معنای طلب بقا و آرزوی زندگی (در مقام دعا برای کسی) گرفته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۱۶/۱۴؛ راغب، ۱۳۶۹: ۲۶۸). اصل تحیت دعا به حیات است، به معنای دعا برای حیات دیگری کردن، خواه این دعا به صورت سلام علیک (خداوند تو را به سلامت دارد) و یا حیاک الله (خداوند تو را زنده بدارد) و یا مانند آن باشد که سپس بر اثر کثرت استعمال به مطلق دعا گفته شده؛ ولی معمولاً از این کلمه هر نوع اظهار محبتی را که افراد به وسیله سخن، با یکدیگر می‌کنند شامل می‌شود که روشن‌ترین مصداق آن همان موضوع سلام کردن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۳/۴).

۱-۳-۲. وجوب ردّ تحیت به أحسن

از جمله مواردی که تحیت در قرآن آمده، وجوب رد تحیت به احسن است (نساء: ۸۶) کما این که ترک کردن محرمات و انجام دادن واجبات حسابرسی می‌شود (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۹۴/۲).

۲-۳-۲. سلام گفتن هنگام ورود

خداوند در سوره نور می‌فرماید: هنگامی که به خانه‌ها وارد می‌شوید، بر یکدیگر سلام کنید؛ که درودی پر خیر و برکت و پاکیزه و خوشایند از نزد خداست (نور: ۶۱). این تحیت ضروری‌ترین و پاکیزه‌ترین چیزی است که در ملاقات دو نفر برقرار می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶۲/۱۵).

۳-۳-۲. درود و تحیت بهشتیان

درود بهشتیان در روزی که به لقاء الهی نائل شوند سلام است (احزاب: ۴۴) که دلیل بر سلامتی آنان از همه آفات و بلاهاست (کاشانی، ۱۳۶۳: ۴۶/۳). همچنین این تحیت به اهل بهشت تعلق دارد (یونس: ۱۰؛ ابراهیم: ۲۳؛ فرقان: ۷۵).

آیات تحیت‌های قرآن کریم در جدول زیر آمده است:

شماره	متن آیه	آدرس	متعلق	علت
۱	وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا	(نساء: ۸۶)	مردم و مؤمنان	رد تحیت
۲	دَعَوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعَوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ	(یونس: ۱۰)	بهشتیان	احترام و ابراز محبت به یکدیگر
۳	وَأَدْخِلِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ	(ابراهیم: ۲۳)	بهشتیان	احترام و ابراز محبت به یکدیگر
۴	فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ	(نور: ۶۱)	انفُسِکُمْ کسان خودتان	فرمان خدا مبنی بر بابرکت و پاکیزه بودن تحیت
۵	أُولَئِكَ يَجْزُونَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا	(فرقان: ۷۵)	بهشتیان	به خاطر صبرشان
۶	تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا	(احزاب: ۴۴)	بهشتیان	ایمان

جدول شماره ۲: تحیت در قرآن کریم

۴-۲. لعن در قرآن کریم

لعن اگر از طرف خدا باشد، به معنای راندن، دور کردن از رحمت و غضب کردن است و اگر از طرف مردم باشد، به معنای دعای منفی و نفرین کردن و همان لعنت مصطلح است (راغب، ۱۳۶۹: ۷۴۱؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱۹۵/۶). بر این اساس، راندن، دور شدن و دور کردن از رحمت خویش معنای اصلی لعن است. مشتقات این کلمه، در قرآن کریم به صورت‌های لعنة (مصدر یا اسم مصدر)؛ لعن، لعنت، لعنا (ماضی معلوم)؛ یلعن، یلعن، نلعن (مضارع معلوم)؛ العن (امر معلوم)؛ لعن، لعنوا (ماضی مجهول)؛ لاعنون (اسم فاعل)؛ ملعونین، ملعونة (اسم مفعول) ذکر شده است.

۲-۴-۱. ملعون شدن به دلیل کفر

خدا آنها را به سبب کارشان لعنت کرده است (بقره: ۸۸). آنان با وجود فطرت حقیقت‌جوی الهی‌شان بر کفر اصرار ورزیدند و خدا نیز آنان را خوار و خفیف نمود و استعداد فطری آنان را باطل کرد و در نهایت ملعون و مطرود شدند (جزایری، ۱۳۸۸: ۹۷/۱) بر اساس آیات متعدد بیشتر کفار، اهل کتاب بودند و با این که به حقانیت دین اسلام آگاه بودند، ولی کفر ورزیدند (بقره: ۸۹ و ۱۵۹. برای مشاهده دیگر آیات، ر.ک: جدول شماره ۳).

۲-۴-۲. لعن به دلیل شرک و نفاق

مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می‌برند، عذاب می‌کند... و مورد لعنت قرار می‌دهد و برایشان دوزخ آماده می‌سازد؛ و چه بد سرانجامی است (فتح: ۶)؛ چون هیچ‌گونه آرامش و آسایشی در آن‌جا نخواهد بود (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۴۶/۱۲).

۲-۴-۳. لعن به دلیل قتل عمد مؤمن

هر کس مؤمنی را به عمد بکشد، سزایش جهنم است که همیشه در آن خواهد ماند، و خدا بر وی خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند (نساء: ۹۳).

۲-۴-۴. لعن به دلیل ظلم کردن و دروغ بستن به خدا

گواهان گویند: اینان کسانی‌اند که به پروردگارشان دروغ می‌بستند. هان! لعنت خدا بر ستمکاران باد! (هود: ۱۸) گواهی گواهان باعث می‌شود که هیچ دلیل و بهانه‌ای نتوانند بیاورند و مفتری از لعنت خدا و عذاب او نخواهند داشت (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲۲۱/۴).

۲-۴-۵. لعن به دلیل تهمت زدن به زنان پاک‌دامن

همانا کسانی که به زنان پاک‌دامن باایمان بی‌خبر [از فحشا]، نسبت زنا می‌دهند، در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود (نور: ۲۳)؛ زیرا قذف گناهی نابخشودنی است و لعن و نفرین به دنبال دارد (طبرانی، ۲۰۰۸: ۴۵/۴).

۲-۴-۶. لعن به اقوام گذشته به دلیل ستمکاری

یهودیان گفتند: دست خدا [در عطا و بخشش] بسته است، دست خودشان بسته باد و به کیفر گرفتارشان لعنت شدند (مائده: ۶۴). خداوند نعمت بسیار بر یهودیان ارزانی داشته بود؛ اما وقتی با پیامبر مخالفت کردند، گرفتار فقر شدند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۳۹/۳).

واژه لعن در ۳۴ آیه به کار رفته است که متعلق آن، کفار، دروغگویان، آن دسته از اهل کتاب که وصف پیامبر خاتم ﷺ در کتابشان آمده بود، ولی به اسلام نگریدند، بت پرستان، قوم یهود، ستمگران، منافقان، کفار، قوم عاد، پیمان شکنان و آنان که به زنان پاک دامن تهمت می زدند و همچنین ابلیس و آنان که به خدا و رسول او آزار می رسانند و نیز کسانی که سوء ظن به خدا دارند و مورد لعن و نفرین خدا و بندگان مؤمن خدا واقع شدند و از رحمت خدا فاصله گرفتند و در قیامت، در بدترین جایگاه جهنم مأوا خواهند داشت.

تعداد	متن آیه	آدرس	متعلق	علت
۱	وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ	(بقره: ۸۸)	کفار	کفر و انکار
۲	الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ	(بقره: ۸۹)	کفار	کفر و انکار پس از شناخت حق
۳	إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ	(بقره: ۱۵۹)	کفار	کتمان و پوشاندن نشانه های روشن و راه هدایت
۴	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ	(بقره: ۱۶۱)	کفار	مرگ در حالت کفر،
۵	فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبَيَّنْهُلْ فَتَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ	(آل عمران: ۶۱)	کاذبین	مواجهه و چون و چرا کردن با پیامبر ﷺ
۶	أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ	(آل عمران: ۸۷)	کفاری که ابتدا به حقانیت قرآن و	کفر ورزیدن پس از ایمان و روشن شدن حق

	پیامبر ایمان آوردند، سپس کفر ورزیدند			
۷	مِنْ الَّذِينَ هَادُوا يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ... وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا	(نساء: ۴۶)	کفار	یهودیانی که تحریف در کلمات ایجاد می کنند و با زبانشان به دین (اسلام) طعنه می زدند
۸	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَتَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا	(نساء: ۴۷)	اهل کتاب	حاضر نشدند که به قرآن ایمان بیاورند، در حالی که تصدیق کننده کتاب آنان بود
۹	أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا	(نساء: ۵۲)	کسانی که بهره کمی از کتاب داشتند و به بت و طاغوت ایمان می آوردند	کفار را هدایت یافته تر از مؤمنان می دانند
۱۰	وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا	(نساء: ۹۳)	قاتل مؤمن	قتل عمد مؤمن
۱۱	لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَا تَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا	(نساء: ۱۱۸)	شیطان	اغوا و فریب بندگان خدا
۱۲	فِيمَا نَقُصُّهُمْ مَبِيتَاتُهُمْ لَعَنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ...	(مائده: ۱۳)	کفرورزان از بنی اسرائیل	نقص و شکستن پیمان

۱۳	قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَن لَّعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ	(مائده: ۶۰)	اهل کتاب	عیب جویی از مؤمنین و فسق و فجور
۱۴	وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ	(مائده: ۶۴)	قوم یهود	به علت این که گفتند: دست خدا بسته است (یدالله مغلوله)
۱۵	لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ	(مائده: ۷۸)	کافران بنی اسرائیل	به علت عصیان و تجاوز
۱۶	قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا	(اعراف: ۳۸)	گروهی جهنمی هنگام دخول در آتش، گروه دیگر را لعنت می کنند	استکبار در مقابل پروردگار، کفر ورزیدن و دروغ بستن به خداوند
۱۷	وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ	(اعراف: ۴۴)	ظالمان	بازداشتن مردم از راه خدا و کج نشان دادن آن و کفر ورزیدن به آخرت
۱۸	وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَعَذَابٌ مُّقِيمٌ	(توبة: ۶۸)	زنان و مردان منافق و کفار	نفاق و کفرورزی
۱۹	وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ	(هود: ۱۸)	ظالمان	ظلم و دروغ بستن به خدا

۲۰	وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ	(هود: ۶۰)	قوم عاد	کفر و انکار آیات خدا و نافرمانی از رسولان الهی و فرمان برداری از زورگویان ستیزه جو
۲۱	وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بَنَسِ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ	(هود: ۹۹)	فرعون و قوم او	ظلم و ستم
۲۲	وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ	(رعد: ۲۵)	عهد شکنان پس از پیمان بستن با خدا و قطع کنندگان ارتباط با کسانی که خدا فرمان به پیوند با آنها داده است	پیمان شکنی و قطع صله رحم و....
۲۳	وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ	(حجر: ۳۵)	ابلیس	سرباز زدن از فرمان خدا مبنی بر سجده بر آدم
۲۴	وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ	(النور: ۷)	کاذبین	کسی که تهمت زنا به همسر خویش می زند
۲۵	إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ	(نور: ۲۳)	تهمت زنازندگان به زنان پاک دامن	تهمت زنا
۲۶	وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ	(قصص: ۴۲)	فرعون و قومش	ظلم و استکبار

۲۷	وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَلَئِن يُلْعَنُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ	(عنکبوت: ۲۵)	قوم ابراهیم نسبت ﷺ به همدیگر	بت پرستی و محبت قوم نسبت به یکدیگر در دنیا
۲۸	إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا	(احزاب: ۵۷)	آزاررسانان به خدا و رسولش	به دلیل آزار به خدا و رسول
۲۹	إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا	(احزاب: ۶۴)	کافران	کفر و حق پوشی
۳۰	رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنُوهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا	(احزاب: ۶۸)	کافران	اطاعت بزرگان و مهتران خود
۳۱	وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ	(ص: ۷۸)	ابلیس	استکبار و کفرورزی
۳۲	يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذَرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ	(غافر: ۵۲)	ظالمان	کفر و ظلم
۳۳	أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ	(محمد: ۲۳)	کسانی که فرمان خدا را اطاعت نکردند	سرباز زدن از جهاد و اوامر خدا و رسول
۳۴	وَيَعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا	(فتح: ۶)	زنان و مردان مشرک و منافق و دارای سوء ظن به خدا	شرک و نفاق و سوء ظن به خدا

جدول شماره ۳: لعن در قرآن کریم

۱. سلام در زیارت عاشورا و رابطه بینامتنی آن با سلام در قرآن

امام سجاد علیه السلام یکی از شاهدان عینی نبرد نابرابر عاشورا و شهادت پدر بزرگوار و برادران و یاران امام حسین علیه السلام بود و پس از آن روز دهشتناک، همراه عمه بزرگوارش زینب کبری علیها السلام و زنان و کودکان خردسال در اسارت بود؛ لذا خاطره غم‌انگیز کربلا و پس از آن را هرگز فراموش نکرد و سال‌های متمادی سوگوار و محزون بود. چون در زمان امام سجاد علیه السلام اختناق شدید اجتماعی و سیاسی در جامعه حاکم بود، امام علیه السلام برای بیان حقایق و آگاهی بخشیدن به جامعه اسلامی، زبان دعا و مناجات را برگزید.

فرزند خردسال ایشان امام باقر علیه السلام در حادثه کربلا حدود چهارساله بود و بی‌شک خاطره تلخ حادثه دردناک عاشورا آن هم در سن کودکی که با تمام وجودش عجین شده بود، برای ایشان فراموش ناشدنی بود. از طرفی شرایط سیاسی جامعه در دوران امامت امام باقر علیه السلام تا حدودی مساعد شده بود، لذا ایشان برای معرفی شهدای کربلا و ماندگاری آن واقعه جانسوز، زیارت عاشورا را با سلام بر قهرمانان آن و لعن بر مسببان آن جنگ نابرابر و ظالمانه، از خود به جای گذاشت تا خاطره جان‌فشانی اصحاب کربلا و ظلم و جور غاصبان حکومت و یزید بن معاویه برای بشریت به ویژه عموم مسلمانان جهان ماندگار شود.

در زیارت عاشورا ضمن تشریح واقعه جانگداز کربلا، به جدش امام حسین علیه السلام و یاران باوفایشان سلام و درود می‌فرستد؛ سلامی که برگرفته از قرآن کریم است و به متقین و صابران و هدایت‌یافتگان گفته می‌شود؛ چرا که امام حسین علیه السلام، فرزندان و یاران ایشان مصادیق کامل تقواییان و صابران و صالحان و عباد الرحمن هستند. علاوه بر آن، وجود حضرت حسین بن علی علیه السلام، الگوی جان‌فشانی در راه حق است. بنابراین سلام‌های زیارت عاشورا بر امام حسین علیه السلام و کسانی که خون خود را برای تحقق حق نثار کردند (الذین بذلوا مهجهم دون الحسين علیه السلام)، همگی هدایت‌یافتگان قرآن کریم بودند.

سلام‌ها نیز از جنس سلام‌های قرآن کریم است. آنان به دنبال رضایت خدای خویش بودند که تقوا پیشه کردند و به جز رضوان الله مطالبه‌ای نداشتند و آخرین خواسته‌شان سپاس‌گزاری از پروردگار جهانیان بود. آنان برگزیدگان الهی بودند و با بردباری همه وجود خود را در راه خدا بذل و بخشش نمودند. اصحاب کربلا و در رأس آنان امام حسین علیه السلام تمام اعمال و رفتارشان برگرفته از تعالیم قرآن کریم بود و سلام‌های زیارت عاشورا رابطه تنگاتنگ بینامتنیت با قرآن کریم دارد.

۴. لعن در زیارت عاشورا و رابطه بینامتنی آن با لعن در قرآن

لعن شدگان در زیارت عاشورا، دنیاطلبانی هستند که برای رسیدن به عیش و نوش ناپایدار دنیا شعله جنگی نابرابر علیه شریف ترین و پاک ترین انسان ها یعنی امام حسین (ع) و یاران باوفای ایشان افروختند. قساوت قلب و فرومایگی جنگ طلبان دنیاخواه باعث شد که دست به هر جنایتی بزنند تا نور حق طلبی امام حسین (ع) را خاموش کنند؛ اما از این حقیقت غافل بودند که خداوند، نور خود را به بالاترین و تمام ترین درجه می رساند، اگر چه کافران مسلمان نما، کراهت داشته باشند و خوشایندشان نباشد: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (صف: ۸). لذا پس از آن جنایت شنیع کوفیان - که تمام هستی را ملتهب و داغدار نمود -، خداوند نور حقانیت امام حسین (ع) و یاران فداکارشان را در پهنه تاریخ بشریت ماندگار می کند، و جبهه باطل را مورد قهر و غضب و نفرت و لعنت مدام قرار می دهد. در واقع لعن های مکرر در زیارت عاشورا رابطه بینامتنیت با لعن های بیان شده بر ظالمان در قرآن دارد.

چنان که بیان شد، مخرج مشترک تمامی لعن شدگان در قرآن کریم، ظلم و جور و استبداد است و چه ظلمی عظیم تر و شنیع تر از ریختن خون فرزندان پیامبر (ص) که پیام آور صلح و اصلاح و زندگی عزتمندانه بود؛ لذا یکی از مصادیق مهم لعن در قرآن، ظالمان سفاک و قاتلان امام حسین (ع) و یاران ایشان است و لعن های زیارت عاشورا برگرفته و متأثر از لعن های قرآن کریم است که آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾ (بقره: ۱۵۹) به آن اشاره دارد.

نتیجه گیری

همچنان که ادیان الهی مصدق و مؤید یکدیگرند، متون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری همانند حلقه های زنجیر به هم پیوسته و رابطه بینامتنی دارند. به عبارت دیگر، هیچ متنی بدون تأثیرپذیری از متن پیش از خود خلق نمی شود. این رابطه نیز بین مصنوعات بشری و مخلوقات الهی در کتاب تکوین به چشم می خورد. به طور نمونه، ساخت هواپیما بدون الهام گرفتن از پرواز پرندگان و ساخت کشتی بدون الهام گرفتن از حرکت آبزیان در آب برای بشر میسر نبود. همه مخترعان با الهام از مصنوعات الهی یا بشری توانسته اند به خلق جدید و اختراعی نو نایل آیند.

زیارت عاشورا نیز که یک متن دینی است و از امام باقر علیه السلام روایت شده است، رابطه بینامتنی و زبان‌شناختی با متن پیش از خودش یعنی قرآن کریم دارد. سلام‌های آن با سلام‌های کتاب خدا همخوانی دارد و متعلق سلام‌ها در قرآن کریم و زیارت عاشورا، انسان‌های تکامل‌یافته‌ای هستند که ایمان، تقوا، صبر و تسلیم حق بودن سرلوحه زندگی‌شان است. امام حسین علیه السلام و یاران فداکار ایشان مصادیق کامل متعلق سلام‌های قرآن و سلام‌های زیارت عاشورا هستند؛ همچنان که لعن‌شدگان در قرآن و زیارت عاشورا ظالمانی هستند که طالب دنیا و زرق و برق و لذایذ زودگذر آیند و برای رسیدن به آن، دست خود را به هر جنایتی آلوده می‌سازند. مصادق‌های کامل لعن‌های قرآن و زیارت عاشورا یزید و پیروانش هستند که دستان خود را به خون امام حسین علیه السلام و یارانش آلوده کردند و در نتیجه در پهنه تاریخ روسیاه شدند و مورد لعن و نفرین خدا و خلق خدا قرار گرفتند.

کتاب‌نامه

* قرآن کریم.

۱. ابن عربی، محمد بن علی، (۱۴۲۲ق)، تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول.
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، نجف اشرف: دار المرتضویه.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه و منشورات محمدعلی بیضون، اول.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۵. ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر، اول.
۶. آل غازی، عبدالقادر، (۱۳۸۲ه.ق)، بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی، اول.
۷. آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیه و منشورات محمدعلی بیضون، اول.
۸. بروجردی، محمدابراهیم، (۱۳۶۶ش)، تفسیر جامع، تهران: کتابخانه صدر، ششم.

۹. بقاعی، ابراهیم بن عمر، (۱۴۲۷ ق)، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، بیروت: دارالکتب العلمیة و منشورات محمدعلی بیضون، سوم.
۱۰. بقلی، روزبهان بن ابی بصیر، (بی تا)، عرائس البیان فی حقائق القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة و منشورات محمدعلی بیضون، اول.
۱۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ ق)، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۴۱۹ ق)، سنن الترمذی، قم: دارالحديث.
۱۳. جعفری، یعقوب، (۱۳۷۶ ش)، تفسیر کوثر، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، اول.
۱۴. حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ هـ.ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، چهارم.
۱۵. دهقان، اکبر، (۱۳۸۷ ش)، نسیم رحمت تفسیر قرآن کریم، قم: نشر حرم، اول.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۶۹ ش)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، تهران: مرتضوی، اول.
۱۷. سلطان علی شاه، محمد بن حیدر، (۱۴۰۸ ق)، بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت: مؤسسة الاعلامی للمطبوعات، دوم.
۱۸. سلمی، محمد بن الحسین، (۱۳۶۹ ش)، حقایق التفسیر، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، اول.
۱۹. سیواسی، احمد بن محمود، (۱۴۲۷ ق)، عیون التفاسیر، بیروت: دار صادر، اول.
۲۰. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، اول.
۲۱. شاه عبدالعظیمی، حسین، (۱۳۶۳ ش)، تفسیر اثنی عشری، تهران: نشر میقات، اول.
۲۲. شبیری زنجانی، سید موسی، استفتاء شماره ۴۳۸۳، تاریخ ثبت استفتاء ۱۳۸۶/۱/۳۰.
۲۳. صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶ ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن و السنة، قم: نشر فرهنگ اسلامی، دوم.
۲۴. طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۷۴ ش)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، هفتم.

۲۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸م)، التفسیر الكبير (تفسیر القرآن العظيم)، اربد: دارالكتاب الثقافی، اول.
۲۶. طبرسی، فضل بن الحسن، (۱۳۷۷ش)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مترجمان: علی عبدالحمیدی، اکبر غفوری، احمد امیری شادمهر و...، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، اول.
۲۷. _____، (۱۳۶۰ش)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم: حسین نوری همدانی، تهران: انتشارات فراهانی.
۲۸. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دارالمعرفة، اول.
۲۹. طنطاوی، محمد سید، (۱۹۹۷م)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: نهضة، اول.
۳۰. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۱ه.ق)، مصباح المتہجد و سلاح المتعبد، بی جا: مؤسسة فقه الشیعه.
۳۱. طیب، عبدالحسین، (۱۳۶۹ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، دوم.
۳۲. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، تهران: مکتبة العلمیة الاسلامیة، اول.
۳۳. غزالی، محمد بن محمد، (۱۳۷۵ش)، ترجمه: احمد حواری نسب، بی جا: نشر احسان.
۳۴. فرکلاف، نورمن، (۱۳۹۸ش) ترجمه: روح الله قاسمی، بی جا: اندیشه احسان.
۳۵. فضل الله، محمدحسین، (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک، اول.
۳۶. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، بی جا: مؤسسه دار الهجرة.
۳۷. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز نشر فرهنگی درس های از قرآن، اول.
۳۸. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیہ.
۳۹. _____، (۱۳۷۵ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، دوم.
۴۰. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ش)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، سوم.
۴۱. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، (۱۳۶۳ش)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیہ، اول.

۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: انتشارات دارالحديث، اول.
۴۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۲ش)، دائرة المعارف قرآن کریم، قم: نشر بوستان، سوم.
۴۴. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، بیروت: دار الكتب العلمية و مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۴۵. مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴ق)، التفسير الكاشف، قم: دارالكتاب الاسلامی، اول.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، دهم.
۴۷. میبدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ش)، كشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تهران: امیرکبیر، پنجم.
۴۸. نامور مطلق، بهمن، (۱۳۸۸ش)، «از تحلیل بینامتنی تا تحلیل بیناگفتمانی»، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، ش ۱۲، ص ۷۳ - ۹۴.
۴۹. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۵۰. نهاوندی، محمد، (۱۴۱۲ق)، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة البعثة، اول.
۵۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ق)، صحیح مسلم، قم: دارالحديث.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی